General English.ir



دانلود لغات حذف شده از كتاب (صرفا براى دارندگان جلد ا زير ذره بين)

دانلود لغات حذف شده از کتاب، ویرایش ۱۳۹۴ نسبت به ۱۳۹۵

مجموعه لغاتی که در این بخش گردآوری شده است، لغاتی هستند که از ویرایش چهارم کتاب «زبان عمومی ارشد زیر ذرهبین» حذف شدهاند. این لغات با توجه به اولویت کمتری که داشتند حذف شدند و خواندن آنها پس از اتمام کلیه لغات کتاب توصیه می شود.

این لغات بیشتر برای داوطلبان آزمونهای بینالمللی مناسب است. کتاب ویرایش پنجم، دارای تعداد دقیق ۲۵۷۱ واژه است.

در این فایل ۵۴ واژه، افزون بر آن ۲۵۷۱ واژه وجود دارد:

absorption	soaking up, involvement	۰ جذب، درگیر شدن		
ashore	onshore, shoreward	۰ بهطرف ساحل، کنار ساحل دریا		
atheist	non-believer	۰ بیایمان، ملحد		
beleaguer	besiege, surround with troops	۰ محاصره کردن		
bristle	short stiff hair, whisker	موی ریز و زبر، موی صورت، موی حیوان		
	was covered with bristles . e back of his neck (گردن) bristled .			
capillary	the smallest type of blood vessel	۰ مویرگ		
chip	nick, crack, fragment	تراشیدن و خُرد کردن، خرده، تراشه		
 Archaeologists (باستان شناسان) were carefully chipping away at the rock. Wood chips covered the floor of the workshop. 				
correlation	connection, link, association	وابستگی، ارتباط، همبستگی		
✓ There's a high	correlation between smoking and lu	ing cancer.		
crow	boast, brag, a large black bird	باليدن، رجز خواندن، كلاغ		
 ✓ He was crowing over winning the bet (شرط بندی). ✓ ten miles from here as the crow flies 				
curative	healing, medicinal	دارای خاصیت درمانی، شفادهنده		
✓ the curative properties of herbs (علف و گیاه) ✓ the spring's alleged (منتسب به) curative properties				
figurine	a small statue of a person	۰ مجسمه یا پیکره		
glib	slick, smooth-talking	چربزبان، سلیس و البته فریبنده(صحبت)		
 ✓ Many senior administrators are smooth (روان) and glib, in the manner of politicians. ✓ No one was convinced by his glib answers. 				

استفاده از این فایل و محتوای آن تنها برای دارندگان هریک از ویرایشهای جلد ۱ زبان عمومی ارشد زیر ذرهبین مقدور است. لطفا به حقوق مولف و بحث شرعی موضوع، پایبند بوده و آن را تحت هیچ شرایطی در فضاهای مجازی، بازنشر ندهید.

این فایل برای دارندگان کتاب، **رایگان** است و فروش آن شرعا <u>حرام</u> است.

وبسایت پشتیبانی: GeneralEnglish.irکانال تلگرام: GeneralEnglish

Telegram.me/GeneralEnglish

General English.ir



دانلود لغات حذف شده از کتاب (صرفا برای دارندگان جلد ا زیر ذره بین)

gravity	seriousness, solemnity, weight	اهمیت، اعتبار، وزنه، شدت، جاذبه		
✓ I don't think you understand the gravity of the situation. ✓ The penalties (مجازات) should be proportionate to the gravity of the offence. ✓ the laws of gravity قوانین جاذبه				
ideal	prefect, best possible, model	ایده آلِ، کامل، امر ممکن، بی عیب، الگو		
 ✓ She's the ideal person (=exactly the right type of person) for the job. ✓ You're my ideal of how a man should be. 				
itch	tingling, tingle, be irritated	خارش، خاریدن		
✓ Scratch (خاراندن) my back - I have an itch . ✓ I can't wear wool - it makes me itch .				
item	single thing, issue, matter	چیز، یک فقره، آیتم، عنوان		
 ✓ The restaurant has a long menu of about 50 items. ✓ The main item on the agenda is the pay dispute (بحث سر ميزان دستمزد پرداختى). 				
makeshift	temporary, standby	۰ چاره موقتی		
mystical	religious, spiritual, concealed	۰ عرفانی، مذهبی، مرموز		
objectify	to treat someone like an object	تفکر مادی داشتن، مجسم نمودن		
 ✓ a culture that objectifies (دید مادی داشتن) women ✓ Good poetry will objectify (به تصویر کشیدن) feeling. 				
paleontologist	who studies of fossils	۰ باستانشناس، دیرینشناس		
phobia	abnormal fear, irrational fear	فوبی، ترس غیرعادی، هراس غیرمنطقی		
 ✓ Some children suffer from school phobia. ✓ She suffered from a phobia about birds. 				
pier	jetty, wharf, support	اسکله، لنگرگاه، ستون		
✓ tied the boat up at the pier ✓ The house was not attached to the brick piers in any way (به هیچ وجه).				
plumb	use water pipe, understand, find	لوله کشی کردن، فهمیدن چیزی		
 ✓ We've discovered that our house isn't plumbed properly. ✓ Now that she had begun, she wanted to plumb her own childhood further. 				
protagonist	main/chief character	۰ بازیگر نقش اصلی		
redeem	make up for, atone for, retrieve	۰ جبران کردن(شرایط بد)، بهبود دادن		
renew	resume, restart, restore	دوباره شروع کردن، دوباره نو کردن		
 ✓ Local people have renewed their efforts to save the school. ✓ He failed to renew his contract, which expired last month. 				
ridge	top of a mountain	۰ لبه کوه، نوک کوه		

استفاده از این فایل و محتوای آن تنها برای دارندگان هریک از ویرایشهای جلد ۱ زبان عمومی ارشد زیر ذرهبین مقدور است. لطفا به حقوق مولف و بحث شرعی موضوع، پایبند بوده و آن را تحت هیچ شرایطی در فضاهای مجازی، بازنشر ندهید.

این فایل برای دارندگان کتاب، **رایگان** است و فروش آن شرعا <u>حرام</u> است.

وبسايت پشتيباني: GeneralEnglish.irکانال تلگرام: GeneralEnglish

Telegram.me/GeneralEnglish

General English.ir



دانلود لغات حذف شده از کتاب (صرفا برای دارندگان جلد ا زیر ذره بین)

	the paper rolled or folded?			
 ✓ Would you like the paper rolled or folded? ✓ One of the eggs rolled off the counter. ✓ Is your name on the electoral roll (= the list of people who can vote)? 				
shoddy	poor-quality, inferior	۰ بُنجُل، بدردنخور		
sniff out	find something through smell	بو کشیدن، یافتن چیزی		
✓ This dog sniffed out 400 pounds of cocaine.				
snub	rebuff, spurn, repulse	۰ بىمحلى كردن، پس زدن		
stagnant	still, static, motionless, inactive	راکد، ساکن، بی حرکت، ایستا		
✓ stagnant water/pond ✓ a government plan to revive the stagnant economy (اقتصاد راکد)				
trample	tread, stamp, treat with contempt	لگدمالنمودن، پایمال و تضییع نمودن		
 ✓ There was a small fence to stop people trampling on the flowers. ✓ He accused the government of trampling on the rights of the ordinary citizen. 				
treasure	riches, valuable objects, jewels	۰ گنجینه، ثروت، اشیا قیمتی		
wail	howl, bawl, cry	۰ شیون کردن با فریاد، نالیدن		
wanton	deliberate, malicious	۰ گستاخ (عمدی)، شرور و سرکش		
warden	superintendent, caretaker	۰ سرپرست، ناظر، نگهبان، سرایدار		
wasp	a thin black & yellow insect, bee	٠ زنبور		
yell	shout very loudly, call out	فریاد زدن از روی عصبانیت یا درد		
 ✓ Children were yelling at each other across the street. ✓ He could hear Pete yelling at the top of his voice (=very loudly). 				
refinery	factory where s.th is made purer	پالایشگاه		
✓ There were two huge oil refineries on the coast.				
discernible	visible, noticeable	۰ قابل دید، قابل تشخیص و درک		
herd	drove, flock, crowd, group	۰ گلّه، دسته، گروه		
rater	one who rates or grades	۰ تخمین زننده، ارزیاب		
matron	a woman who works as a nurse in a private school	مسئول زندان زنان، پرستار زن		
✓ She had been matron of a Belgian Hospital.				
belligerent	aggressive, hostile, warring	۰ متخاصم، متجاوز، جنگطلب		

استفاده از این فایل و محتوای آن تنها برای دارندگان هریک از ویرایشهای جلد ۱ زبان عمومی ارشد زیر ذرهبین مقدور است. لطفا به حقوق مولف و بحث شرعی موضوع، پایبند بوده و آن را تحت هیچ شرایطی در فضاهای مجازی، بازنشر ندهید.

این فایل برای دارندگان کتاب، **رایگان** است و فروش آن شرعا <u>حرام</u> است.

وبسايت پشتيباني: GeneralEnglish.irکانال تلگرام: GeneralEnglish

Telegram.me/GeneralEnglish

General English.ir



دانلود لغات حذف شده از کتاب (صرفا برای دارندگان جلد ا زیر ذره بین)

badger	bother, pester, harass	ت کردن، روی مخ کسی راه رفتن(!)	اذيت	
 ✓ Stop badgering me - I'll do it when I'm ready. ✓ I had to badger the kids into doing their homework. 				
breach	break, contravention, violation	اف، تجاوز، تخلف، نقض پیمان	شکا	
 ✓ There have been serious security breaches (شکاف در سیستم امنیتی). ✓ They sued (پیگرد قانونی نمودن) the company for breach of contract. 				
erudite	learned, scholarly, academic	نصص، عالم، خردمند، تحصيل كرده	متخ	
 ✓ The most erudite people in medical research attended the conference. ✓ Ken could turn any conversation into an erudite discussion. 			•	
haunt	torment repeatedly, disturb/domain	راً آزردن، أشفتن / پاتوق	مکر	
 ✓ If you ignore the problem, it will come back to haunt you. ✓ The restaurant became one of her favorite haunts. 				
recuperate	recover, get better, get well	ودی یافتن (پس از بیماری)	بهبو	
 ✓ He's recuperating from major heart surgery. ✓ She took a day off to recuperate. 			٠	
propulsion	thrust, motive force	نیروی محرکه، پیشران	•	
energetic	active, vigorous	پرانرژی	٠	
finite	limited, restricted	ی حدومرز، معین، محدود	داراء	
 ✓ We only have a finite amount of time to complete this task (کار، وظیفه). ✓ Every computer has a finite amount of memory. 				
tempest	storm, gale, hurricane	توفان، تندباد، گردباد	٠	

استفاده از این فایل و محتوای آن تنها برای دارندگان هریک از ویرایشهای جلد ۱ زبان عمومی ارشد زیر ذرهبین مقدور است. لطفا به حقوق مولف و بحث شرعی موضوع، پایبند بوده و آن را تحت هیچ شرایطی در فضاهای مجازی، بازنشر ندهید.

این فایل برای دارندگان کتاب، رایگان است و فروش آن شرعا <u>حرام</u> است.

وبسايت پشتيباني: GeneralEnglish.irکانال تلگرام: GeneralEnglish